



۳۰ مارچ، ۲۰۲۵

داکتر نور احمد خالدی

شکست اجلاس امنیتی پاریس

اجلاس "ائتلاف خواستاران" در پاریس با شکست مواجه شد، زیرا اروپا نتوانست تعهد عمومی از متحدان برای اعزام نیرو به اوکراین به عنوان بخشی از یک معاهده صلح کسب کند. **عدم حمایت آمریکا:** آمریکا تمایلی به حمایت از این ائتلاف نشان نداده است، که این امر باعث تضعیف بیشتر آن شده است.

ضعف نظامی اروپا: اروپا فاقد نیروها و قابلیت‌های لازم برای بازدارندگی یا شکست روسیه است، حتی در آینده قابل پیش‌بینی.

طرح‌های بازسازی نظامی اروپا: برنامه‌های اروپا برای افزایش مصرف‌های دفاعی و ارسال کمک‌های نظامی به اوکراین سال‌ها طول خواهد کشید تا اثرگذار شود.

انتقاد از رهبران اروپایی: رهبران اروپایی بدون داشتن پشتوانه نظامی کافی، به مقابله با روسیه پرداختند و اظهارات آنها مبتنی بر "هوای گرم" بود.

مسئله قروض و تورم: طرح‌های نظامی جدید اروپا منجر به افزایش بدهی‌های عمومی و تورم خواهد شد، که بار آن بر دوش مردم اروپا خواهد افتاد.

نقش صلح بانان: پیشنهاد فرانسه برای استقرار صلح‌بانان در اوکراین به دور از خط مقدم، غیر عملی و پرمصرف توصیف شده است.

دلایل شکست:

- **عدم برنامه ریزی جایگزین:** اتحادیه اروپا هیچ برنامه‌ای جز تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه نداشت و پس از شکست این تحریم‌ها، گزینه‌ای برای جایگزینی وجود نداشت.

- **وابستگی به آمریکا:** اروپا برای اجرای طرح‌های خود به حمایت آمریکا وابسته بود، اما آمریکا تمایلی به درگیر شدن در این طرح‌ها نشان نداد.

- **عدم انسجام داخلی:** کشورهای اروپایی تمایلی به دادن کنترل نیروهای خود به یک ساختار فرماندهی مرکزی (غیر از ناتو) ندارند.

-**ضعف ساختاری:** "ائتلاف خواستاران" فاقد یک ساختار فرماندهی متمرکز است که این امر آن را در مقایسه با اردوی روسیه ضعیف می‌کند.

نتایج:

-شکست استراتژیک اروپا: اروپا در مقابله با روسیه شکست خورده است و طرح‌های جدید نیز احتمالاً به نتیجه نخواهند رسید.

-**تشدید بحران اقتصادی:** افزایش مصرف‌های نظامی منجر به افزایش بدهی‌ها و تورم در اروپا خواهد شد.

-**تضعیف اعتماد عمومی:** عدم صداقت رهبران اروپایی در بیان واقعیت‌ها و وعده‌های بی‌پایه، اعتماد عمومی را کاهش داده است.

-**ادامه جنگ در اوکراین:** با توجه به ضعف اروپا و عدم تمایل آمریکا به درگیری مستقیم، جنگ در اوکراین احتمالاً ادامه خواهد یافت.

میتوان به وضاحت ابراز نمود که رهبران غربی مانند امانوئل مکرون (فرانسه) و کیر استارمر (بریتانیا)، با ارائه حمایت‌های نظامی و مالی به اوکراین، بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدان نبرد، تنها به طولانی‌تر شدن جنگ و افزایش تلفات انسانی دامن می‌زنند. به باور بنده روسیه از نظر نظامی، اقتصادی و صنعتی در موقعیت برتری قرار دارد و اوکراین فاقد منابع کافی برای مقاومت در برابر پیشروی‌های روسیه است. همچنین، میتوان به عدم تعریف روشن از «صلح» از سوی این ممالک غربی اشاره کرد و با قاطعیت ابراز نمود که رویکرد فعلی غرب تنها به تشدید بحران و افزایش قربانیان منجر خواهد شد.

دلایل این نتیجه‌گیری مبتنی بر واقعیت‌های ذیل اند:

۱. برتری نظامی روسیه:

- اوضاع جنگ و شرایط ممالک زیدخل نشان میدهد که روسیه از نظر تعداد نیروها، مهمات، و توان صنعتی بر اوکراین برتری دارد. گزارش‌هایی موجود است که نشان می‌دهد اوکراین با کمبود نیرو، سلاح و مهمات مواجه است و خطوط دفاعی آن در حال فروپاشی است.
- مثال: پیشروی روسیه در مناطق مختلف و ناتوانی اوکراین در متوقف کردن آن.

۲. عدم تطابق گفتار و عمل غرب:

- رهبران غربی مانند مکرون و استارمر از عباراتی مانند «صلح از طریق قدرت» استفاده می‌کنند، اما این عبارات پوچ هستند، زیرا غرب قادر به ایجاد توازن قدرت در میدان نبرد نیست.

- مثال: اختصاص ۲ میلیارد یورو کمک نظامی از سوی فرانسه، در حالی که این مقدار برای تغییر موازنه قدرت ناکافی است.

۳. عدم تعریف روشن از صلح:

• غرب و اوکراین هیچ تعریف مشخصی از «صلح» ارائه نمی‌دهند، در حالی که روسیه شرایط خود را برای پایان جنگ مشخص کرده است.

- مثال: ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، حاضر به پذیرش از دست دادن هیچ قلمرویی نیست، در حالی که این موضع با واقعیت‌های میدان نبرد سازگار نیست.

۴. تلفات انسانی و اخلاقیات:

- رهبران غربی و اوکراین به دلیل ادامه جنگ و افزایش تلفات انسانی به جای منافع مردم اوکراین، به دنبال اهداف سیاسی خود هستند.

- مثال: اشاره به کشته شدن ۷۰ هزار اوکراینی در عملیات کورسک و ادامه ارسال نیروهای جدید به جبهه‌ها.

۵. عکس العمل روسیه و آینده جنگ:

- روسیه در حال برنامه‌ریزی برای یک حمله بزرگ در شمال و جنوب اوکراین است که در صورت موفقیت، ممکن است به فروپاشی کامل خطوط دفاعی اوکراین منجر شود.

- مثال: نقل قول از گزارش‌های اوکراینی که از تجمع نیروهای روسی در این مناطق خبر می‌دهند.

۶. تفاوت دیدگاه‌های آمریکا و اروپا:

- اختلاف نظر بین دولت ترامپ (که خواهان پایان سریع جنگ است) و رهبران اروپایی (که به حمایت از اوکراین ادامه می‌دهند) روز بروز بیشتر می‌گردد.

- مثال: تلاش ترامپ برای مذاکره با روسیه، در حالی که اروپا به تحریم‌ها و کمک‌های نظامی ادامه می‌دهد.

جمع بندی :

اروپا در رویارویی با روسیه فاقد استراتژی کارآمد است و طرح‌های جدید آن نیز به دلیل ضعف‌های ساختاری، وابستگی به آمریکا، و پیامدهای اقتصادی محکوم به شکست هستند. این وضعیت نه تنها بحران اوکراین را حل نخواهد کرد، بلکه ممکن است به بحران‌های داخلی اروپا نیز دامن بزند.

ادامه حمایت‌های نظامی بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدان نبرد، تنها به طولانی تر شدن جنگ و افزایش رنج مردم اوکراین منجر خواهد شد. بهتر است رهبران غربی به جای شعارهای پوچ، به دنبال راه‌حلی واقع بینانه برای پایان دادن به جنگ اوکراین باشند.

پایان